

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد فاجعه ملی

در ص ۳

## با افسران قهرمان توده ای در سالگرد فاجعه ملی

در ص ۵۰۴

# نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۳، دوره هشتم  
سال چهاردهم، ۴ شهریور ۱۳۷۶

### یادشان جاودان

### و راهشان پر رهرو باد!

## تحلیل هیأت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران

# پیرامون انتخابات، دولت جدید و شرایط کشور

شد و با ورشکست شدن و تعطیل واحد های تولیدی صف بیکاران کشور روز به روز افزایش یافت. به این مجموعه باید سیاست خصوصی سازی و «تعدیل نیروی انسانی» را نیز افزود تا روشن گردد که در دوران هشت ساله «سازندگی» چه تخریب گسترده ای در ایران سازمان دهی شد. رشد اعتراض های پراکنده مردمی - کارگری در شهرهای مختلف و سرکوب خونین آن از سوی سران رژیم از جمله پیامدهای مستقیم همین سیاست ها بود که رژیم را پس از مانورهای فراوان ناچار به تغییر سیاست و بازگشت به سیاست های قبلی کنترل واردات و چند نرخ نمودن ارز کرد. از پدیده های دیگر قابل توجه تشدید گام به گام سیاست های سرکوبگرانه و ارباب از سوی حاکمیت است که با اوج گیری ناراضی عمومی به فرمان «رهبر» و در اشکال گوناگون «مبارزه با تهاجم فرهنگی»، «اسلامی کردن دانشگاه ها» و ...

را تشخیص داد و در مورد آن نوشت: «... گروه حاکم، یعنی نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری بازاریان بزرگ»، روحانیون محافظه کار و ... بورش خود را برای تأمین سلطه کامل بر ارکان «نظام» زیر شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه آغاز کرده است... نکته جدید در این است که به نظر می رسد این جناح ائتلاف با گروه رفسنجانی را پایان یافته و بی ثمر برای حرکت های آینده خود می بیند...» («نامه مردم» - ۳۰ آبان ماه ۱۳۷۴).

در کنار درگیری در «بالا» ی حاکمیت که بی شک اثرات مهم و معینی در درون جامعه داشت، تحولات مهم اجتماعی اقتصادی نیز در «پایین» در حال شکل گیری بود که می بایست مورد ارزیابی قرار گیرد. منظور ما از این تحولات تعمیق گسترده و فراگیر ناراضی عمومی از مجموعه سیاست های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکمیت است. دولت رفسنجانی با اتخاذ سیاست «تعدیل اقتصادی» که ما به هنگام ارائه آن از سوی دولت، آن را یک برنامه ضد ملی و ضد مردمی خواندیم، جامعه را هرچه بیشتر به سمت تعمیق شکاف طبقاتی، یعنی فریب تر شدن گروه معدودی از نزدیکان و وابستگان رژیم و تشدید فشارهای کمر شکن اقتصادی به اکثریت قاطع شهروندان راند. به دلیل اتخاذ همین مجموعه از سیاست های اقتصادی منکی بر مصرف، که خواست اساسی کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک، دلال و انگلی کشور نیز بود، میلیاردها دلار کالای مصرفی خارجی به سمت ایران روانه شد (گاه تا حد ۲۷ میلیارد دلار واردات در سال در مقابل ۱۵ میلیارد دلار درآمد ارزی از فروش نفت) که از یک سو بنیه مالی دولت را به شدت تضعیف کرد و به بالا آوردن ده ها میلیارد دلار بدهی خارجی با بهره های کمر شکن منجر شد و از سوی دیگر در نبود هیچ گونه سیاست و تمایلی به حمایت و گسترش تولید داخلی در مقابل سیل کالاهای مصرفی، روند رکود بر صنایع و تولیدات داخلی

میهن ما دوران پر جوش و پرتحوالی را پشت سر می گذارد. چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه دولت پیشنهادی سید محمد خاتمی، علی رغم تهدیدها و مانورهای جناح راست، از مجلس شورای اسلامی، رأی اعتماد گرفت و پس از هشت سال حاکمیت رفسنجانی دولت جدیدی سکان امور اجرایی کشور را به دست گرفت. تمامی این تغییر و تحولات در متن مخالفت پرشکوه ۲۰ میلیونی توده های مردم با رژیم «ولایت فقیه» و نماینده آن در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مجموع شرایطی را در کشور ایجاد کرده است که محتاج بررسی موشکافانه و دقیق است.

### نکاتی پیرامون علل و ریشه های تحولات کنونی

برای ریشه یابی تحولات ضروری است تا به دو عامل تحولات روبنایی - سیاسی و تحولات زیر بنایی اقتصادی - اجتماعی کشور توجه کرد. مهمترین تحول روبنایی و تغییر در آرایش سیاسی، خصوصاً در میان نیروهای طرفدار رژیم را می بایست در پایان یافتن دوران ائتلاف هشت ساله گروه رفسنجانی و گروه راست سنتی ارزیابی کرد که در جریان تدارک برای انتخابات بنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و رد پیشنهاد گروه رفسنجانی برای دادن لیست نامزدهای مشترک بروز نمود. ایجاد گروه «کارگزاران سازندگی» به مثابه سازمانی برای مقابله با «روحانیت مبارز تهران» و «هیأت های مؤلفه» و بازگشت و تشدید فعالیت «مجمع روحانیون مبارز» و بخش هایی از روحانیت که در جریان پاکسازی مجلس چهارم از حاکمیت کنار گذاشته شده بودند، نشانگر آغاز دور جدیدی از برخوردها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی در ابعاد نوین و گسترده ای بود. حزب ما نخستین سازمان سیاسی کشور بود که حتی قبل از اعلام تشکیل گروه کارگزاران با ارزیابی شرایط کشور و مانورهای نیروهای سیاسی حاکمیت به درستی این روند

ادامه در ص ۶

### در این شماره

کابینه جدید رأی اعتماد گرفت در ص ۲

ولایتی «مشاور رهبر» شد در ص ۲

کابل در آستانه سقوط در ص ۷

رقابت برای کنترل منابع نفتی در ص ۷

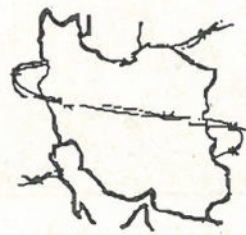
فرازی جدید در جنبش سندیکایی آمریکای

در ص ۸

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## رویدادها



### کابینه جدید از مجلس رأی اعتماد گرفت

کابینه جدید پس از بحث های داغ در مجلس و علی رغم برخی مخالفت ها با وزاری پیشنهادی برای وزارت کشور و وزارت ارشاد اسلامی روز چهارشنبه ۲۹ مرداد از مجلس رأی اعتماد گرفت. قبلاً سید محمد خاتمی با ارسال نامه ای به رئیس مجلس در روز سه شنبه ۲۱ مرداد ماه کابینه منتخب خود را به شرح زیر اعلام کرده بود: وزارت کشور: عبدالله نوری (پست های قبلی: نماینده خمینی در جهاد، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه، نماینده خمینی در سپاه پاسداران، عضو شورای بازنگری قانون اساسی، وزیر کشور، عضو مجلس تشخیص مصلحت)؛ وزارت امور خارجه: کمال خرازی (پست های قبلی: معاون طرح برنامه صدا و سیما، رئیس ستاد تبلیغات جنگ، مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی، سفیر و نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد)؛ وزارت آموزش و پرورش: حسین مظفر (پست های قبلی: از مسوولان کمیته استقبال خمینی، از مسوولان و اعضای کمیته های انقلاب اسلامی، دادستانی انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران، معاون مدیر کل آموزش و پرورش تهران، سرپرست گروه معارف اسلامی، معاون تعاون و امور مجلس بنیاد شهید)؛ وزارت جهاد سازندگی: محمد سعیدی کیا (پست های قبلی: سرپرست اداره کل راه استان هرمزگان، معاون نوسازی راه آهن، وزیر راه و ترابری، قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان در بخش اقتصادی، ریاست دانشکده راه آهن دانشگاه علم و صنعت)؛ وزارت دفاع: علی شمخانی (پست های قبلی: فرمانده نیروی دریایی ارتش، فرمانده نیروی دریایی سپاه، فرمانده دریایی خاتم الانبیا، فرمانده سپاه اهواز، فرمانده سپاه خوزستان، قائم مقام فرماندهی سپاه، وزیر سپاه، از سازماندهندگان اصلی عملیات سرکوبگرانه سپاه در خوزستان، کردستان، سیستان و بلوچستان، گیلان و مازنداران)؛ وزارت معادن و فلزات: اسحاق جهانگیری (پست های قبلی: نماینده مجلس در دوره دوم و سوم، ریاست هیأت امنای سازمان اقتصادی بنیاد شهید، استاندار استان اصفهان)؛ وزارت پست و تلگراف: محمد رضا عارف (پست های قبلی: معاون شرکت مخابرات، معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، رئیس سازمان سنجش و آموزش کشور، قائم مقام وزارت فرهنگ و آموزش عالی، رئیس دانشگاه تهران)؛ وزارت راه و ترابری: محمود جنتی نجف آبادی (پست های قبلی: از اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی، استاندار سیستان و بلوچستان، و مسوول اجرایی سد بزرگ کرخه)؛ وزارت فرهنگ و آموزش عالی: مصطفی معین (پست های قبلی: نماینده مجلس در دوره اول و پنجم، رئیس دانشگاه شیراز، عضو ستاد شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی)؛ وزارت اطلاعات: قربانعلی دری نجف آبادی (پست های قبلی: نماینده مجلس در دوره های اول، دوم، چهارم و پنجم، دبیر هیأت عالی گزینش، نماینده مجلس خبرگان،

معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری)؛ وزارت بازرگانی: محمد شریعتمدار (پست های قبلی: معاون دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست وزیری، معاون وزیر اطلاعات، قائم مقام وزیر بازرگانی، نماینده ولی فقیه و عضو هیأت امنای اموال در اختیار ولی فقیه، از سازماندهندگان کمیته های انقلاب اسلامی، دفتر اطلاعات نخست وزیری و وزارت اطلاعات)؛

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: عطاالله مهاجرانی (پست های قبلی: نماینده مجلس در دوره اول، نایب رئیس کمیسیون امور خارجی مجلس، مسوول کمیته اطلاعات و اخبار کمیسیون دفاع، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، معاون حقوقی و امور مجلس نخست وزیر، معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، عضو شورای سیاست گذاری صدا و سیما)؛ وزارت بهداشت: محمد فرهادی (پست های قبلی: قائم مقام هلال احمر، دبیر شورای آموزش پزشکی کشور، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، رئیس دانشگاه تهران و رئیس موسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران)؛ وزارت تعاون: مرتضی حاجی (پست های قبلی: شورای هماهنگی مبارزات فرهنگیان استان مازندران، رئیس شورای شهر و قائم مقام فرماندهی سپاه پاسداران در بابل، استاندار استان مازندران، معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیر عامل و قائم مقام مدیر مسوول روزنامه همشهری)؛ وزارت دادگستری: اسماعیل شوشتری (پست های قبلی: دادسرای انقلاب استان مرکز، نماینده مجلس در دوره اول و دوم، نماینده قوه مقننه در کمیسیون قانون احزاب و انجمن های اسلامی، رئیس سازمان زندان های کشور، وزیر دادگستری)؛ وزارت کشاورزی: عیسی کلانتری (پست های قبلی: وزیر کشاورزی از سال ۱۳۶۷ تاکنون)؛ وزارت اقتصاد و دارایی: حسین نمازی (پست های قبلی: وزیر امور اقتصاد و دارایی (۵۹ - ۶۴)، معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک، عضو هیأت علمی و معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی)؛ وزارت نفت: بیژن زنگنه (پست های قبلی: وزیر پیشنهادی دولت موسوی و رفسنجانی برای وزارت نفت و در دولت گذشته عهده دار وزارت نیرو)؛ وزارت مسکن و شهرسازی: علی عبدالملکی زاده (پست های قبلی: معاون شهرداری ارومیه، معاونت عمرانی استانداری آذربایجان شرقی، نماینده مجلس، استاندار آذربایجان غربی و در حال حاضر استاندار آذربایجان شرقی)؛ وزارت نیرو: حبیب الله بی طرف (پست های قبلی: معاون آموزشی وزارت نیرو، مجری طرح های سد و نیروگاه کارون ۳ و ۴ در وزارت نیرو)؛ وزارت صنایع: غلامرضا شافعی (پست های قبلی: قائم مقام کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۴، مدیر عامل سازمان صنایع ملی، معاونت وزیر صنایع، معاون وزارت معادن و فلزات، وزیر صنایع (۶۳ - ۶۸)، و وزیر تعاون از سال ۱۳۷۰ - تاکنون)؛ وزارت کار و امور اجتماعی: حسین کمالی (پست های قبلی: مسوول بخش کارگری شورای انقلاب و هفته نامه کارگر مسلمان، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، نماینده مجلس و عهده داری ریاست کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس در دوره دوم و سوم، وزیر کار و امور اجتماعی در دولت رفسنجانی - ۱۳۶۸).

### حمله «افراد ناشناس» !!! به دفتر

#### مجله «ایران فردا»

بر اساس گزارش رسانه های گروهی جمهوری اسلامی گروهی «افراد ناشناس» روز شنبه ۲۵ مرداد ماه به دفتر مجله ایران فردا که به مدیریت مهندس عزت الله سحابی منتشر می شود یورش بردند و وسایل تحریریه این مجله را تخریب و شیشه های دفتر مجله را خرد و اعضای حاضر در آن را تهدید کردند. معاون وزارت ارشاد حمله به دفتر مجله را عملی «نادرست» توصیف کرد و گفت اعتراض به مندرجات در مجله می بایست از طریق قانونی صورت بگیرد و روزنامه سلام از «دست های

مرموزی» نام برد که سعی در خرابکاری دارند. مردم از خود می پرسند چگونه پس از ۱۸ سال حاکمیت رژیم «ولی فقیه» و این همه دستگاه عریض و طویل اطلاعاتی و امنیتی هنوز در مملکت این همه دست های «مرموز» و «افراد ناشناس» وجود دارد که در زیر گوش و چشم پاسداران انقلاب اسلامی و فرزندان «گمنام امام زمان» می توانند هر آنگاه که اراده کنند به نیروهای دگراندیش یورش برده آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهند و در تمامی ۱۸ سال گذشته هنوز یک نفر هم از این افراد ناشناس و دست های مرموز شناسایی نشده اند!؟

### برداشتی از کابینه جدید

شمخانی وزیر دفاع جدید در مصاحبه با روزنامه های مجاز کشور برداشت خود را از ویژگی کابینه و برنامه دولت جدید چنین توضیح داد: «کابینه آقای خاتمی در جهت اثبات این مدعا است که حزب الله می تواند در چارچوب قانون مشق جدیدی از دموکراسی را به تبعیت از ولایت به منصه ظهور برساند...» وی در مورد برخورد احتمالی مخالف مجلس با دولت جدید ضمن رد چنین برداشتی گفت: «نظر نمایندگان مجلس کمک به دولت آقای خاتمی است و احساس می کنم مجلس در این مورد هم مصلحت نظام را به عنوان اصل تصمیم گیری خودش برجسته تر از گذشته به اثبات برساند...»

### پس طرفدار ولایت فقیه در این

#### کشور کیست؟

عبدالله نوری وزیر کشور دولت خاتمی در جریان دفاع از خود در بحث های مجلس از جمله گفت: «مطلب دیگری در سؤال ها مطرح شد که متأسفانه من دیدم که در رابطه با چند تن از وزراء از جمله من بوده است، این مسأله مطرح شد و آن بحث ولایت فقیه است... ببینید که شما از چه کسی دارید سؤال می کنید که شما ولایت مطلقه فقیه را قبول دارید؟ از من؟ من یعنی کسی که نماینده امام در هیأت نظارت شورای عالی قضایی بودم؛ از طرف امام حکم مسوولیت صدا و سیما بخش اطلاعات و اخبارش را داشتم؛ نماینده امام در جهاد سازندگی بودم؛ نماینده امام در سپاه بودم؛ عضو شورای بازنگری قانون اساسی بودم از طرف امام و دو دوره هم که عضو مجمع تشخیص مصلحت از طرف مقام معظم رهبری هستم و حال از من سؤال می شود که شما اعتقاداتان درباره ولایت فقیه چیست؟ برای ما توضیح دهید. اگر نسبت به من در این مورد شک باشد، پس طرفدار ولایت فقیه در این کشور کیست؟...»

### دهن کجی «ولی فقیه» به رئیس

#### جمهور

روز پنجشنبه ۳۱ مردادماه، سید علی خامنه ای طی حکمی علی اکبر ولایتی را به سمت «مشاورت رهبری» در امور بین المللی منصوب کرد. در حکم خامنه ای به ولایتی که بی شک نشانگر ناخرسندی او از کنار گذاشته شدن ولایتی از پست وزارت امور خارجه است گفته می شود: «اکنون که پس از دوره طولانی و پرتلاش و بهمدالله پرحاصل و افتخارآمیز ماموریت خود در راس وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی فراغتی نسبی بدست آورده اید، جای آن است که از تجربیات گرانمای شما که در طول چهار دوره اجرایی و در چهار دولت پیاپی به دست آمده است به گونه نیکو بهره برداری شود. اگر چه می توان دانست که وزارت امورخارجه در دوران وزیر محترم جدید که خود از همکاران دیرین جنابعالی در مسوولیت اجرای سیاست خارجی بوده است، از کمک های شما بهره مند خواهد شد، لکن برای اینکه استفاده بهینه از اندوخته های

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت نهمین سالگرد فاجعه کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران

هم میهنان عزیز!

نه سال از قتل عام وحشیانه هزاران زندانی سیاسی در زندان های ایران می گذرد. نه سال پیش در یکی از نکان دهنده ترین جنایات تاریخ معاصر میهن ما هزاران زندانی سیاسی تنها به جرم تن ندادن به خواست های پلید شکنجه گران، به جرم دفاع از آزادی، به جرم دفاع از انقلاب بهمین و آرمان های مردمی آن و در یک انتقام جویی جنایتکارانه قتل عام شدند تا استبداد، تاریک اندیشی و وابستگی امکان یابد به حیات خود ادامه دهد. نه سال پس از این فاجعه، که به حق از سوی حزب ما فاجعه ملی نامیده شد، هنوز رژیم «ولایت فقیه» حتی حاضر نشده است اسامی این عزیزان از دست رفته را به شکل رسمی اعلام کند و پاسخ هزاران خانواده ای را بدهد که فرزندان شان بدون کوچکترین دلیل قانونی و بدون آنکه اجازه داشته باشند از خود دفاع کنند، بر خلاف کلیه قوانین مدون جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شدند.

قتل عام زندانیان سیاسی آینه تمام نما و رسوا کننده سیمای رژیم است که حاضر است برای ادامه حیات خود دست به هرجنایت و خیانتی بزند. در میان اعدام شدگان قهرمانانی بودند که سال های طولانی از عمر خود را در زندان های حکومت ستم شاهی سپری کرده بودند و به حق اسطوره های مبارزات رهایی بخش میهن ما محسوب می شدند. امروز پس از گذشت نه سال، نه تنها تغییری در سیاست های سرکوبگرانه رژیم پدید نیامده است بلکه بار دیگر خطر مرگ جان گروهي از زندانیان سیاسی کشور را تهدید می کند. ارگان های سرکوب گر علی رغم خواست توده های میلیونی خلق که خواهان استقرار آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی هستند و در جریان انتخابات اخیر ریاست جمهوری این خواست را بار دهمین بار ولی فقیه و مدافع سیاست های سرکوب، آشکارا اعلام کردند همچنان به شکنجه، آزار و اذیت دگراندیشان ادامه می دهند و مصمم اند تا در این عرصه کوچکترین تغییری در روش و اجرای کار ها انجام نگیرند.

هم میهنان آزاده

مبارزه در راه تأمین آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی ارتباطی تنگاتنگ و گسست ناپذیر با به رسمیت شناختن حقوق بشر، از جمله حق آزادی بیان، اندیشه، احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی و مطبوعات دارد. تجربه ۱۸ سال گذشته نشان داده است که حاکمیت جمهوری اسلامی تنها در مقابل فشار توده ها از پایین ممکن است که مجبور به برخی عقب نشینی و تن دادن به خواست های مردمی گردد. امروز مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، رسیدگی به جنایات انجام شده در زندان های رژیم و انحلال ارگان ها و نهاد های سرکوب گر (رسمی و غیر رسمی) از جمله وظایف مهمی است که پیش روی همه نیروهای ملی و مردمی قرار دارد. در صورت حفظ حالت بسیج عموم خلقی در مقابل رژیم ضد مردمی، واقعیت حضور عظیم و اعتراض آمیز میلیون ها هموطن جان به لب رسیده از ظلم و بیادگری رژیم می تواند و باید به عامل درهم کوبنده استبداد قرون وسطایی تبدیل شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تجدید عهد با خاطره جاودان شهدای فاجعه ملی معتقد است که بهترین تجلیل از این قهرمانی ها و مبارزه حماسی ادامه راه و پای فشردن بر خواست هایی است که این دلاوران به خون خفته خلق تا آخرین لحظات زندگی برابر خود در راه آن رزمیدند و جان خود را فدای منافع مردم و توده های رنج و کار کردند.

درو آتشین به خاطره تابناک و جاودان شهدای فاجعه ملی!  
با هم در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

شهریور ماه ۱۳۷۶  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

### ادامه: با افسران قهرمان توده ای ...

است. وی در جریان فاجعه ملی با سخنان پرشوری از حزب دفاع کرد و سرانجام به شهادت رسید. وقتی خبر اعدام او را به خانواده اش رساندند پدر وی که یک کارگر بود برای دریافت وسایل به زندان اوین آمد. از پاسداران پرسید چرا پسر را اعدام کردید؟ و گفت: «پسر من ضد انقلاب نبود، بلکه بخاطر کسانی که در خیابان ها داخل کارتن و مقوا می خوابند مبارزه کرد و شهید شد...»

#### • رفیق شهید سرگرد صابر ظفر حیدری:

رفیق سرگرد ظفر حیدری قهرمان نامدار حزب توده ایران و جنبش انقلابی مردم ایران است. رفقا ظفر حیدری غیاثوند و افرایی از مبارزان به حد افسانه ای مقاوم و از نامداران پرافتخار و فنا ناپذیر توده ای و سمبل های نسل دوم افسران توده ای به شمار می آیند. نام این رفقا در کنار روزه و سیامک به عنوان قهرمانان ملی ایران ثبت است و از این جهت حزب ما به خود می بالد چنین فرزندان شریف و انقلابیون بلند آوازه ای را در مکتب خود پرورش داده است. رفیق سرگرد و صابر ظفر حیدری به دلیل میهن پرستی، مردم دوستی، مقاومت درخشان در زندان، دفاعیات مستدل در دادگاه، عظمت روحی و ایمان بی خدشه از گوهرهای یگانه مردم ایران به شمار می آید. وی به حق در کنار رفقا غیاثوند و افرایی از رهبران معنوی زندانیان سیاسی بودند. رفیق ظفر حیدری در نیروی هوایی از کارشناسان زبده الکترونیک و متخصص رادار بود وی در این رشته ها و در زمینه نظامی دانش وسیع داشت. علی رغم این ها از لحاظ مالی به خاطر شرافت اخلاقی، سنجایی انسانی و تفکر توده ای در وضع قابل توجهی قرار نداشت و پس از دستگیری خانواده اش با مشکلات جدی مالی روبرو بودند. در یکی از ملاقات ها در زندان گوهردشت، پسر ۱۴ ساله او مبلغ ۳۰۰ تومان پولی را که از راه زحمت به دست آورده بود، برای پدرش به زندان می آورد و خطاب به او می گوید: «پدر این پول را با دست های خودم در آورده ام و برای تو عزیزمان است» اشک در چشمان رفیق ظفر حیدری می نشیند... دشواری مالی و مشکلات زندگی خانواده سرگرد ظفر حیدری به روحیه مقاوم و بزرگ او لطمه ای وارد نیاورد. او که به حد پرستش به همسر و فرزندان عشق می ورزید در برابر سختی ها به این عشق به معنای واقعی وفادار ماند. در جریان فاجعه ملی با غرور از مارکسیسم - لنینسم و حزب دفاع کرد و به شهادت رسید. نام این قهرمان توده ای بعنوان یکی از برجسته ترین مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی در سال های اخیر به پرچم حزب او - حزب توده ایران نقش بسته است.

#### • رفیق شهید دانشجوی دانشکده افسری فریدون مرادی:

رفیق فریدون مرادی دانشجوی ممتاز دانشکده افسری و سهمیه ارتش در دانشکده پزشکی بود. او دارای شخصیتی متین، گیرا و فروتن بود. در جریان دادگاه های نظامیان توده ای وی گفته بود: «وقتی به سالن دادگاه وارد می شدم و می دیدم عده ای بعنوان خبرنگار حضور دارند، بلافاصله سرم را بالا می گرفتم و با سرافراشته به دادگاه وارد می شدم، حتی یکبار هم سرم را پایین نیاوردم که مبدا وقتی سرم پایین است عکس گرفته شود و بنویسند یک توده ای با سری رو به پایین و یا سرافراکنده نشسته است». وقتی اعدام های دستجمعی آغاز شد رفیق مرادی با قاطعیت گفت: «رفقا! سر فرار، بی ترس از اعتقادات خودمان دفاع کنیم». و خود از نخستین کسانی بود که چنین کرد.

#### • رفیق شهید سروان حسن معقول:

این افسر شجاع و مومن توده ای با شرافت و سربلندی دوران زندان را گذراند. مدت محکومیت وی طولانی نبود اما با این وجود که خانواده او با مشکلات مالی جدی روبرو بودند از خود ضعف نشان نداد. در آستانه فاجعه ملی دوران محکومیت رفیق به پایان می رسید و او باید آزاد می شد، ولی فاجعه در رسید، نیری جلا در جریان فاجعه ملی از او پرسید: «حکم شما تمام شده، اگر ما دو بند تشکیل دهیم، یکی نمازخوان و دیگری بند مارکسیست ها کدام را انتخاب می کنی؟» رفیق معقول گفته بود «البته در بند مارکسیست ها راحت خواهم بود». نیری دستور اعدام او را صادر کرد. بند به اصطلاح نماز خوان ها در زندان بطور عمده به بند توأیین، اطلاق می شد و ربطی به نماز خوان های واقعی و معتقد نداشت.

و این یادمان قهرمانان نستوه، کامل نیست و نام بسیاری دیگر و زندگی و مبارزه و مقاومت آن ها بطور کامل در اختیار حزب ما قرار ندارد. ما بار دیگر کلیه هم میهنان، رفقا و دوستان حزب را فرا می خوانیم، هر نوع خاطره از زندگی و مبارزه رفقای شهید حزب توده ایران در دست دارند در اختیار حزب قرار دهند اینک در برابر این ارواح شکست ناپذیر ادای احترام کنیم، آن ها در کنار ما و در صف بیکار ما سر زنده و شاداب حضور دارند. مرگ پایان یک زندگی پر معنا و جوشان نیست، بقول رفیق رحمان هاتقی «از زیر خروارها خاک هم می توان در میدان رزم و طلب و فتح و لیخند شرکت داشت».

## آزادی برای همه زندانیان سیاسی



## «با افسران قهرمان توده ای در سالگرد فاجعه ملی»

# نبرد انسان برای خوشبختی، سرنوشت تاریخ و مضمون زندگی است!

از سپیده دم تاریخ که انسان ها با شفاف ترین رویاهای آذرگون مبارزه و حرکت وقفه ناپذیر بسوی تکامل و سعادت را آغاز کردند، تا به امروز که خرد و دانش رو به سوی جکاد بلند آرمایی می گشاید، هرگاه اندیشه در میدان زندگی به عمل، به عمل سازنده و رهایی بخش فراروئیده، بر پهنه تاریخ حماسه شگرف انسان آرمان خواه نقش بسته و ایثار، این گرمی ترین هدیه جان های شیفته آفریده شده است! از هزاره های دور تا سده های واپسین، در دفتر زرین و سرخ میهن کهنسال ما، نقش سترگ انسان آرمان خواه بسیار به چشم می خورد.

این سرگذشت و کارنامه به گفته قهرمان شهید، رحمان هاتفی (حیدرمهرگان): «طعم آتش و عطر انسان دارد». از تاریخ اسطوره ای و نام بلند کاوه و درفش چرمین و آزادیبخش او تا تاریخ واقعی و خیزش مزدک که نام عدالت و شرافت را در جهان باستان طنین انداز کرد، و از پیکار پر شور بابک که در اوج غرور و سربلندی، خود را در شعله اندیشه های سرخ ققنوس وار به آتش کشید. تا دادویه پارسی (ابن مقفع) که جان برسر دانش و میهن پرستی نهاد و از سرود همیشه جاری صاحب الرنج پیشوای قیام زنگیان تا شجاعت شورانگیز سربداران سرخ درفش و تا دهلپزه های تنگ قلعه الموت که در آن شریان های زندگی جاری بود و از انا الحق حلاج تا شعرهای دل انگیز و رویایی قره العین و از سنگرهای مشروطیت و قهرمانی ستارخان و حیدرعمواوغلو تا فریادرسای شیخ محمد خیابانی، و از خرد سرخ و حماسه جاودانه روزبه تا سپیده دم تیرباران افسران توده ای و طلوع خورشید در نگاه مصمم سیامک و کیوان و از غرور فاتحانه و ارطان تا اراده مقاوم حکمت جو و تیزابی و درایت و شجاعت توج بیگوند و پایداری حماسه ای ۲۵ ساله سرداران توده ای در بندهای اهریمنی و از شامگاه محزون و پرانده اعدام ناخداافضلی و عروج اسطوره ای رحمان هاتفی و مرگ گمنام و تلخ طبری، تا غرش شیرزن توده ای فاطمه مدرسی تهرانی (سیمین) که برچهره ترس، تردید و خفت با اراده ای مصمم خنده زد و ارواح مقدس مزدک و ارانی را برای پایداری در برابر رژیم به یاری طلبید و از نبرد نابرابر توده ای ها در فاجعه ملی تا پیکار کنونی نسل نو مبارزان توده ای زیر پرچم حزب ارانی و روزبه، سیمای انسان آرمان خواه و ایثارگر از زیر خروارها افترا و دروغ و تهمت نیک هویدا است.

مبارزینی که گل زندگی شان در شهریور ماه ۱۳۶۷ توسط رژیم واپسگرای ولایت فقیه پرپر شد، از زمره قهرمانان نامدار میهن ما و چهره های نازدودی انسان آرمان خواه و ایثارگر محسوب می شوند. هنوز آن چنان که شایسته این مبارزان نستوه است، زندگی و بیکارشان، معرفی نشده است، حزب ما به سهم خود کوشیده و می کوشد تا مردم و زحمتکشان ایران و نسل جوان با زندگی، مبارزه و یادمان این اسطوره های فنا ناپذیر آشنا شوند. اینک در سالگرد فاجعه ملی به دیدار با برخی از رفقای توده ای که در شمار نام های نازدودی هستند می رویم. به دیدار رفقای شهید سازمان نظامی حزب توده ایران، قهرمانانی با سجایای عالی انسانی و انقلابی، شخصیت، مبارزه و مقاومت حماسه ای این رفقا کمتر معرفی شده است. این دیدار با اصیل ترین و ناب ترین مبارزان راه رهایی زحمتکشان است، پویندگان حقیقت، بقول رفیق شهید رحمان هاتفی (حیدرمهرگان): «برای دستیابی به حقیقت باید جرات و لیاقت آن را داشت - در جائیکه بدی حاکم است، حقیقت هم مقدس است و هم مهلک...». و این رفقا با علم به این واقعیت بی تزلزل راه حقیقت را فاتحانه تا به آخر طی کردند. و اینک یاران شهید سازمان نظامی حزب ما:

### • رفیق شهید، سرهنگ سیف الله غیاثوند، فرمانده بهداری نیروی زمینی:

رفیق سرهنگ پزشک سیف الله غیاثوند، از نمونه های عالی و درخشان یک مبارز توده ای است. وی خدمات شایان و مهمی در دوران نخست جنگ، هنگام اشغال بخشی از خاک میهن نموده است. طرح های او در سمت فرماندهی بهداری نیروی زمینی در ارتباط با کمک رسانی به مجروحین و زخمی ها، مکمل انکار ناپذیر نقشه های نظامی برای آزاد سازی خرمشهر و شکستن محاصره آبادان بود. وی پس از بازداشت نیز با قاطعیت از تعلق به حزب دفاع کرد و از زمره قهرمانان سربلند شکنجه گاه است.

در سال ۱۳۶۳ پس از مشاجره و درگیری که بین زندانیان سیاسی با پاسداران رخ می دهد، رفیق غیاثوند را به دلیل محبوبیت زیاد در بند همراه تعدادی دیگر به اتاق مخصوصی به نام «جهنم» منتقل می کنند، «جهنم» در زندان قزل حصار توسط داود رحمانی رئیس جلااد این زندان پایه گذاشته شده بود و در آن شرایط فوق العاده غیر انسانی حاکم بود و معمولاً زندانیان محبوس در «اتاق جهنم» دچار بیماری های بهبود ناپذیر روحی و جسمی می شدند. رفیق غیاثوند بیش از چند ماه

را در «جهنم» گذراند و علیرغم بیماری جسمی با روحیه محکم به بند بازگشت باردیگر به منظور خرد کردن روحیه او، وی را به بند مجاهدین منتقل کردند. او در بند مجاهدین نیز به سمبل مقاومت بدل شد و محبوبیتی بی نظیر در بین مجاهدین وفادار به آرمان هایشان پیدا کرد. رژیم با گزارش تواین از این وضعیت اطلاع یافت و رفیق غیاثوند به بند چپ ها بازگشت. زندانیان سیاسی چپ به یاد دارند، مجاهدین در بند، پس از انتقال سرهنگ غیاثوند در هر فرصتی در بهداری، ملاقات، هواخوری و... وقتی با چپ ها برخورد می کردند، مراتب احترام عمیق و سلام های مخصوص به «سرهنگ» می رساندند. رفیق غیاثوند به حبس ابد محکوم شده بود و در فاجعه ملی به شهادت رسید.

### • رفیق شهید، ناسروان پزشک قدرت الله مغیمی

رفیق مغیمی مارکسیستی معتقد و مومن، و فردی با خصوصیات اخلاقی و انسانی برجسته بود و به همین دلیل در میان افسران و سربازان نیروی دریایی از احترام برخوردار بود. در زندان نیز شخصیت پاک و بی آلیش و وفاداری بی خلل او به حزب زبان زد بود. وی در زمان خدمت در پایگاه دریایی بوشهر از محبوبیت فوق العاده ای در نزد روستاییان و زحمتکشان بوشهر برخوردار گردید. او سمبل و مدافع محرومین شناخته می شد و به عنوان یک پزشک بدون بول به معالجه روستائیان می پرداخت. در زندان می گفت: «من حتی مرغ و جوجه روستاها را معاینه می کردم». ناسروان مغیمی در دوران بازداشت و دادگاه هرگز تسلیم ری شهری و اتابکی نشد و بارها به تندی با آنها به مشاجره پرداخت. در جریان فاجعه ملی قاطع و بی تزلزل از حزب دفاع کرد و به صف شهدای پر افتخار توده ای پیوست.

### • رفیق شهید سروان حسین خزائی:

دفاعیات پرشور سروان خزائی در بیدادگاه نظامی و سخنان او خطاب به ری شهری از جمله اسناد افتخارآمیز حزب توده ای ما است. او افسری شجاع و کار آمد بود. بعنوان افسر نیروی زمینی مسؤلیت رادار زمینی را دارا بود و خدمات بزرگ و تعیین کننده ای در مرحله نخست جنگ انجام داد. نقش افسر متخصص رادار زمینی است که خلبانان شکاری جنگنده ها در درگیری هوایی عمل می کنند، این افسر شجاع توده ای در مرحله اول جنگ با دقت تحسین برانگیز و تعیین موقعیت های دقیق، باعث سرنگونی ۳۶ جنگنده نیروی هوایی ارتش مزدور صدام شد. این آمار از نمونه های کم نظیر در جنگ های کلاسیک جهان محسوب می شود. او بخاطر این نقش بارها از سوی ستاد کل ارتش مورد تقدیر قرار گرفت و در آستانه دستگیری به پاس خدماتش قرار بود ترفیع درجه بگیرد. سروان خزائی در دادگاه به ری شهری گفته بود: «شما مرا به این خاطر محاکمه می کنید که زندگی خودم را بی چشم داشت در راه دفاع از میهن و مردم گذاشته ام، من به توده ای بودن افتخار می کنم.» او در سال ۱۳۶۶ پس از پایان حکم، حاضر به پذیرش شرایط رژیم و نوشتن انزجار و تفرنامه نشد و در جریان فاجعه ملی با غرور و سربلندی به شهادت رسید.

### • رفیق شهید همافر ناصر شاهسون:

مبارزی بی ادعا و فروتن با خصلت های ارزشمند کمونیستی، مقاومت درخشان و خونسردی وی در میان زندانیان سیاسی شده بود. او ایمانی بی خدشه به حزب داشت. در فاجعه ملی زمانی که اعدام ها شروع شده بود در صف انتظار برای رفتن به محکمه مرگ، پیش از آن که نوبت به او برسد، می گفت: «رفقا دیگر وقت رفتن است، ما هم باید برویم، با ایمان به زحمتکشان و عشق به حزبم به استقبال مرگ می روم.»

### • رفیق شهید همافر تیمور راوندی:

رفیق مغیمی در طول زندان با استواری از مواضع حزب دفاع کرد و معتقد بود که به عنوان نظامی باید سنت های سازمان نظامی حزب و راه روزبه و سیامک و مشیری را ادامه داد و به آن پایبند بود. در فاجعه ملی از حزب و مارکسیسم - لنینیسم دفاع کرد و پس از خروج از اتاق «گروه سه نفره مرگ» با روحیه ای سرشار از ایمان گفت: «مارا می کشند» و سپس با تاکید بر معنا افزود: «ما از مرگ نیرومندتریم.»

### • رفیق شهید همافر تیمور راوندی:

رفیق راوندی، این توده ای قهرمان از مقاوم ترین زندانیان سیاسی رژیم «ولایت فقیه» و از زمره چهره های شاخص و کم نظیر محسوب می گردد. ایمانی آهنین و روحی سرکش داشت، در هر شرایطی از حزب دفاع می کرد وی معتقد بود: «راهی که می رویم طولانی، سربلانی و پر پیچ و خم است، هر کس به توانایی و ایمانش تعدادی از این راه را می تواند طی کند. خوشبخت آن هایی هستند که این راه را تا آخر طی می کنند». رفیق راوندی این نظامی دلیر توده ای با سرفرازی راه پرافتخار ارانی را تا آخر بی تزلزل پیمود و در جریان فاجعه ملی در محکمه سه نفره مرگ با سخنانی پرشور از حزب دفاع

## ادامه با شهیدان توده ای ...

کرد و جان بر سر آرمان گذاشت.

### • رفیق شهید سرهنگ ابوالقاسم افرازی:

نام رفیق سرهنگ افرازی در تاریخ جنبش کمونیستی ایران همطراز نام هایی هم چون سیامک و وارطان است. وی از قهرمانان فنا ناپذیر مردم ایران و چهره تسلیم ناپذیر و از نمونه های اصیل ایناگری توده ای ها در شکنجه گاه خمینی است.

رفیق افرازی از زمره افسران پاک و با سواد شهربانی بود و در میان مردم و پرسنل نظامی از محبوبیت زیادی برخوردار بود. نقش تاریخی او در انقلاب بهمن زمانی که رئیس شهربانی مسجد سلیمان بود فراموش نشدنی است. وی بعنوان یک افسر ارشد با جسارت در دوران حکومت نظامی در کنار مردم و کارگران شهر مسجد سلیمان قرار گرفت و مانع کشتار شد. بی جهت نبود پس از انقلاب به چهره و شخصیت محبوب شهرو مورد اعتماد مردم بدل شد. وی پس از دستگیری نیز مقاومت درخشان از خود نشان داد و بازجوها و شکنجه گران را در برابر خود وادار به تسلیم کرد. او در زندان به سمبل نسل دوم سازمان نظامی حزب بدل شده بود. در دادگاه با کلماتی شورانگیز از حزب و تعلق حزبی خود دفاع کرد. رفیق افرازی محکوم به حبس ابد شده بود. خاطرات از این قهرمان بسیار است، از جمله در یکی از ملاقات ها خطاب به اعضا خانواده اش با صدایی رسا اعلام کرد: «به هر قیمتی از حزب دفاع می کنم، شما می توانید مسیر زندگی خود را انتخاب کنید. من در کنار حزبم تا آخر در اینجا (زندان) باقی خواهم ماند. رفیق افرازی گفته مشهوری داشت: «برای ما توده ای ها تسلیم وجود ندارد.» و در فاجعه ملی به این گفته خود عمل کرد.

### • رفیق شهید ناخدا محسن بیدگلی:

ناخدا بیدگلی انسانی دوست داشتنی و با شخصیتی جذاب بود. وی از زمره افسران متخصص و مبرز و در عین حال فوقالعاده محبوب در کادر فرماندهی نیروی دریایی ارتش ایران به شمار می آمد. خصایل برجسته اخلاقی رفیق بیدگلی زبان زد همگان بود. وی در دوران زندان، در هر بند و سالتی که بود، می کوشید روحیه همبستگی و رزمندگی زندانیان سیاسی را ارتقاء دهد. بارها و بارها از طریق خانواده اش کوشید به شکلی مسایل مالی برخی همزمان زندانی اش که خانواده های آنها در مضیقه مالی بودند را رفع کند. خاطرات عزیز بسیاری از این تلاش او وجود دارد. رفیق بیدگلی سرانجام در جریان فاجعه ملی در برابر گروه سه نفره مرگ قرار گرفت و در پاسخ به پرسشی کوتاه در باره مارکسیسم و حزب با قاطعیت گفت: «توده ای هستم و به آن افتخار می کنم - مرگ در راه عقیده را با آغوش باز می پذیرم...»

### • رفیق شهید همافر حسن صراف پور:

در سال های ۶۵-۶۶، امکان ورزش دستجمعی در زندان، یکی از موارد و خواست های زندانیان سیاسی سر موضع بود. این ورزش در عین این که امری بدیهی به نظر می رسد، بازتاب روحیه مقاومت و ارتقاء مبارزه جویی زندانیان پس از سال های سیاه ۶۲-۶۰ بود. رژیم به شدت از ورزش دستجمعی می هراسید و همواره به شکل خشن مانع برگزاری آن می شد. خواست ورزش دستجمعی ابتدا با حرکت و ابتکار افسران توده ای مطرح شد. در زندان گوهردشت این ابتکار به سرعت فراگیر شد. داودلشگری رئیس زندان گوهردشت که سپس در فاجعه ملی یکی از مجریان اعدام های دستجمعی بود در یکی از بندها وقتی دید زندانیان سیاسی که تعداد زیادی از نظامیان حزبی در میان آن ها بودند به اتفاق دیگر پاسداران به زندانیان حمله برد و به ضرب و شتم آن ها پرداخت. رفیق صراف پور علیرغم تهدیدهای زندان بانان جلوتر از همه خواست ورزش را بار دیگر اعلام کرد و در برابر رئیس زندان سینه به سینه ایستاد، لشگری به او حمله کرد و با ضرب و شتم شدید بطوری که چند دندان رفیق صراف پور خرد شد اما وی تسلیم نشد و با نهایت شجاعت گفت: «این خواست به حق ماست» وقتی لشگری از او پرسید به کدام گروه تعلق داری با صدایی بی ترزلر اعلام داشت: «من نظامی و عضو حزب توده ایران هستم». وی با همین قاطعیت در برابر گروه سه نفره مرگ ایستاد و با شرافت به شهادت رسید.

### • رفیق شهید سرگرد خلیل بینایی ماسوله:

سرگرد بینایی ماسوله از قهرمانان فراموش نشدنی حزب ماست وی در همه شرایط و تحت هر نوع فشاری از حزب و آرمان های حزبی دفاع می کرد. زندان بانان به ویژه لاجوردی و لشگری از او نفرت داشتند و ری شهری نیز بارها وی را به علت صراحت در دفاع از حزب به مرگ تهدید کرده بود. وی دفاعیات پرشوری دارد و مقاومت او در کمیته مشترک درخشان بود. در سال ۱۳۶۳ در جریان ملاقات، هنگامی که یکی از اعضا خانواده اش می گفت: «تو به بچه هایت رحم نکردی، به آن ها رحم کن در زندان آینده بچه هایت را در نظر داشته باش...» با صدایی بلند که همه بشنوند فریاد زد: «من اتفاقا به فرزندانم عشق می ورزم، من بخاطر آینده فرزندانم و همه بچه های ایران در زندان هستم، بخاطر همین عشق و سعادت انسان ها به راه حزب رسیدم تا آخر هم در این راه خواهم ماند...»

### • رفیق شهید سروان رحیم شمس:

رفیق سروان رحیم شمس قهرمان مقاومت کمیته مشترک و یکی از خوشنام ترین افسران بود و به همین علت و سابقه پاک و صلاحیت به مسؤولیت سازمان اتکاء در ارتش ارتقاء یافته بود. در دوران مسؤولیت رفیق شمس وضعیت مالی اتکاء سروسامان گرفت و وی مانع از رشوه - اختلاس - دزدی و بطور کلی فساد مالی در این بخش ارتش

شد. او به مبارزه جدی با فساد مالی در ارتباط با مسایل مالی و زودبند در دوران مسؤولیت وی در اتکاء به دست بیاورد تا علیه او و حزب مورد سوءاستفاده قرار گیرد. اما هیچ مدرکی حتی کوچک وجود نداشت. وی تا آنجا مورد اطمینان و پاک دامن بود که تعدادی از افسران شریف هم دوره او در پست های مدیریت اتکاء بطور رسمی و دستجمعی صلاحیت و درستی او را پس از دستگیری گواهی و تایید کردند. در بازداشتگاه پادگان جمشیدیه تهران رفیق سروان رحیم شمس به رفقای هم بندش گفته بود «اصلا نمی ترسم، آرزو می کنم اعدام شوم و نام من جزء شهدای حزب توده ایران باشد» در فاجعه ملی وی با شهادت از حزب و مارکسیسم دفاع کرد و به صف شهدای توده ای پیوست.

### • رفیق شهید استوار تکسین پرواز داود قریشی:

رفیق قریشی از زمان دستگیری تا شهادت قهرمانانه در فاجعه ملی، سمبل دفاع و پابندی به حزب و منافع کارگران بود. او در دوران بازجویی، در بیدادگاه نظامی با صراحت از حزب و هویت سیاسی خود دفاع کرد. در تابستان سال ۱۳۶۷ زمانی که متوجه شد. مساله مرگ و زندگی مطرح است و اعدام ها آغاز شده به رفقای هم بندش گفت: «در روز اعدام، چنان فریاد زنده باد حزب توده ایران خواهم زد که دیوارهای حسینیه گوهردشت (حسینیه گوهردشت محل اعدا های دستجمعی بود) به لرزه در آید. به گواهی زندانیان سیاسی که او را در آخرین لحظات دیده بودند، او به گفته خود عمل کرد و فریاد زنده باد حزب توده ایران رفیق قریشی از دیوارهای زندان گذشت و در فضای مین او طنین افکند.

### • رفیق شهید ستوان رضا براتی:

رفیق براتی، مبارزی فداکار و مورد احترام در زندان به شمار می آمد. وی در برگه های بازجویی دادستانی ارتش که مواضع او را پس از اتمام دادگاه مورد پرسش قرار می داد نوشته بود: «من با هر شرطی و تحت هر شرایطی حاضر به آزادی نیستم». در سال ۱۳۵۶ از یکی از ملاقات های خود در زندان گوهردشت به خانواده اش تاکید کرده بود: «من آدمی نیستم که شرایط را بپذیرم و از زندان بیرون بیایم، همسر عزیزم باید این مساله را برای خودش حل کند...». ستوان براتی با غرور شایسته هر توده ای و به رسم مبارزان توده ای در جریان فاجعه ملی در برابر گروه سه نفره مرگ که از او تضرر نامه می خواستند نه گفت و از تعلق به حزب توده ایران با کلمات آتشین دفاع کرد.

### • رفیق شهید ناسروان عباسی هاشمی نژاد:

رفیق ناسروان هاشمی نژاد از زمره نام های مورد تقدیر قهرمان حزب و جنبش است. در زندان و حتی در دوره خدمت در نیروی دریایی به عنوان افسری بسیار با سواد و لایق از احترام برخوردار بود. او در زندان نمونه مقاومت و سازش ناپذیری محسوب می شد. پس از پایان محاکمات نظامیان توده ای و ابلاغ احکام، رفقای نظامی او در زندان فزل حصار و در بین توابین تقسیم کردند تا زیر فشار خفقان آور محیط اراده آن ها را بشکنند. رفیق هاشمی نژاد پس از مشورتی کوتاه با سایر افسران تاکید کرد که: «ما باید از هویتمان با قاطعیت دفاع کنیم و جو رعب و وحشت و یاس را بشکنیم». پس از توافق با سایرین، او بعنوان اولین نفر و پیشاپیش دیگران رو در روی رئیس زندان حاج داود رحمانی، بازجو و دادیاران قرار گرفت و در جمع زندانیان سیاسی با صدای بلند اعلام کرد: «من افسر هستم و عضو حزب توده ایران، از حزبم و اعتقاداتم دفاع می کنم و به آن ها وفادار می باشم». با این حرکت جو اختناق و ترس در بند و بطور کلی زندان شکست. اقدام شجاعانه ناسروان هاشمی نژاد حتی در روحیه توابین موثر افتاد. برخی از توابین می گفتند: «این توده ای دل شیر دارد».

### • رفیق شهید ستوان غلامرضا داوری:

ستوان داوری از فعالین خوشنام ارتش و یکی از افسران مین پرستی بود که در جریان ۲۱ و ۲۲ بهمن در کنار مردم برای به ثمر رساندن انقلاب نقش اساسی ایفا کرد وی از محبوبیت در نیروی هوایی ارتش برخوردار بود و بعنوان افسری که علیه پارتی بازی، فساد مالی مبارزه می کند شناخته می شد. در جریان فاجعه ملی وقتی نیری یکی از سه نفر گروه مرگ از او خواست تا اعلام تنفر از حزب کند به او حمله کرد و او را خانق و ضد مردمی نامید و از حزب دفاع جانانه ای نمود. بافتخار به شهادت رسید.

### • رفیق شهید دانشجوی افسری خلیل ابرقویی:

رفیق ابرقویی از زمره مبارزینی است که حزب توده ایران به آن ها افتخار می کند. خصوصیات برجسته اخلاقی، فروتنی، انسان دوستی و فداکاری در او ریشه دار و عمیق بود. همین خصوصیات در کنار روحیه سازش ناپذیر و دفاع از حزب، وی را یکی از برجسته ترین مبارزان مقاوم زندان کرده بود. وی در سال ۱۳۶۰ با اینکه نظامی بود به چند نفر از دوستان هوادار مجاهدش پناه داده و به آن ها پاری رسانده بود. در سال ۱۳۶۵ در یکی از بندهای زندان گوهردشت، زمانی که فشار زندانیان زیاد شده بود و سئوالات متعددی را هر روزه در باره قبول داشتن و یا نداشتن مواضع می کردند، رفیق ابرقویی حاضر به خروج از بند و جواب دادن به سئوالات نشد و با صدای بلند خطاب به پاسداران گفت: «من یکبار به جمهوری اسلامی گفته ام که حزب توده ایران را قبول دارم و باید بدانید تا موقعی که در زندان هستم، حرفم همین

**ادامه: ملاحظاتی پیرامون شرایط کشور ...**

آغاز گردید. به خیابان آمدن گروه های مزدور و چماق دار «حزب الله» و «انصار حزب الله» یورش به زنان، یورش به دانشگاه ها و مراکز آموزشی کشور و تجاوز به حقوق مردم عادی، یورش به نویسندگان، هنرمندان، و تشدید فشار علیه زندانیان سیاسی... شرایط کشور را به شدت بحرانی و تمایل و روحیات اعتراضی مردم به مبارزه و درگیری با رژیم را در ابعاد کم سابقه ای گسترش داد. هیجان های اعتراضی رو به رشد از درگیری های خیابانی پراکنده با چماق داران رژیم تا اعتصاب شکوهمند و پیروزمند کارگران نفت، نشانگر آغاز دوران نوبنی از مبارزه علیه استبداد و واپسگرایی در میهن ما بود.

**از انتخابات پنجمین دوره مجلس تا انتخابات ریاست جمهوری**

انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی نخستین گوشمالی مردم به رژیم «ولایت فقیه» بود. علی رغم تلاش فراوان رژیم و فضای کاملاً غیر دموکراتیک حاکم بر انتخابات و نظارت استصوابی شورای نگهبان، و تقلب های وسیع انتخاباتی از سوی گروه راست سنتی و حتی باطل کردن تعدادی از حوزه های انتخابیه، مردم با انتخاب گروهی از نمایندگان نسبتاً مستقل، خصوصاً زنان به مجلس نخستین زنگ های خطر برای رژیم را به صدا درآوردند. گروه راست سنتی هراسناک از انتخابات ریاست جمهوری تمامی نیروی سرکوب و ارباب خود را به میدان آورد و با قرق کردن خیابان ها توسط مزدوران «انصار حزب الله»، یورش به نویسندگان و سازماندهی مجدد شوهای تلویزیونی... و تشدید فشار برای قبضه انحصاری حاکمیت موج وسیعی از تفرق و انزجار مردمی را برانگیخت. علی رغم تلاش سازمان یافته این گروه که بخش عمده ای از اهرم های حاکمیت رژیم «ولایت فقیه»، از شورای نگهبان، تا قوه قضائیه را در اختیار خود دارد و علی رغم دفاع علنی و نیمه علنی بخش مهمی از روحانیت از جمله ولی فقیه از نامزد انتخاباتی گروه راست و تبلیغات کرکننده و مدام صدا و سیما جمهوری اسلامی برای ناطق نوری، توده های میلیونی با دادن رای مخالف به نماینده رژیم در ابعاد بی سابقه و انتخاب کسی که از سوی بخش عمده ای از رژیم به عنوان «لیبرال» و «خطر جدی» برای «اسلام» معرفی شده بود تمایل آشکار و انکار ناپذیر خود را برای تغییر سیاست های ضد مردمی گروه راست سنتی اعلام کردند. شکست سهمگین ناطق نوری، به عنوان نامزد رژیم «ولایت فقیه» در انتخابات ریاست جمهوری شکست سیاسی بود که خواهان «ذوب شدن در ولایت» و «هرچه بیشتر اسلامی» کردن حیات جامعه ما بود. در نبود کوچکترین حقوق و آزادی فردی، صنفی و سیاسی و در شرایطی که شورای نگهبان رژیم از میان ۲۳۸ نامزد انتخاباتی تنها ۴ نفر را واجد صلاحیت برای شرکت در انتخابات اعلام کرد، حرکت اعتراضی مردم علیه حاکمیت در شکل انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان ریاست جمهوری که خود را مدافع «رفرم» رژیم از درون معرفی کرده بود، خود به آغاز نیرو بخش و بسیج گری در مبارزه مردمی علیه استبداد تبدیل گردید. از ویژگی های عمده این مرحله مبارزه شرکت وسیع و انبوه زنان و جوانان، یعنی افشاری از جامعه که بیش از همه مورد آزار، اذیت و تجاوز روزانه مزدوران رژیم قرار داشتند، در انتخابات بود.

ضربه گجج کننده مردم به رژیم و شخص «ولی فقیه» آنچنان ابعادی داشت که سران رژیم هراسناک از اثرات آن فوراً مانورهای حساب شده ای را برای تغییر شرایط و گذاشتن رأی مردم به حساب حاکمیت آغاز کردند. انتخاب خاتمی به عنوان ریاست جمهور با قول «استقرار جامعه مدنی، حاکمیت قانون و تأمین عدالت اجتماعی» در کشور در عین حال نشان می داد که هجده سال پس از انقلاب بهمین بار دیگر مردم با خواست ها و شعارهای مشخص خواهان تحقق آرمان های انقلابی هستند که در راه آن فداکاری و از خود گذشتگی عظیم نشان دادند و به دلیل خیانت سران جمهوری اسلامی در نیمه راه متوقف و سرانجام به شکست کشانده شد و به جای آزادی استبداد مطلق و به جای عدالت، بی عدالتی و ظلم بر کشور حاکم گردید.

**ترکیب دولت جدید، گروه راست حاکم و وظایف نیروهای ملی و آزادی خواه**

گروه راست سنتی علی رغم شکست در انتخابات ریاست جمهوری، هنوز بخش های اساسی و مهمی از حاکمیت رژیم، از جمله شورای نگهبان، قوه قضائیه، اختیار ارگان های سرکوبگر مانند وزارت اطلاعات، سپاه و کمیته ها، و اکثریت مجلس شورای اسلامی را در اختیار خود دارد و از این رو تصور اینکه با این شکست از میدان بیرون برود، تصور نادرستی است. از سوی دیگر انتخاب بخش وسیعی از کارگزاران سابق و چهره های شناخته شده رژیم در کابینه جدید که در مجموع آن مورد قبول جناح راست سنتی است، از هم اکنون نگرانی های جدی را در میان احاد مختلف مردم پیرامون تحقق قول ها و برنامه های انتخاباتی ایجاد کرده است. زمره ادامه سیاست «تعدیل» به عنوان یگانه سیاست موجود اقتصادی در مقابل دولت جدید و تغییر مواضع نیروهایی مانند «مجمع روحانیون مبارز» و «مجاهدین انقلاب اسلامی» در دفاع کلی از این سیاست نشانگر آن است که عمده ترین خطوط سیاست اقتصادی دولت تغییر چندانی نخواهد کرد و در چنین صورتی معلوم نیست که چگونه سیاست مبارزه با بیکاری، بی عدالتی و حاکمیت «مافیای بازار» (به قول روزنامه سلام) بر سیستم توزیع کشور قرار است اجرا گردد و گام های عملی در راه تأمین عدالت اجتماعی برداشته شود. سیاست تعدیل اتخاذ شده از سوی دولت گذشته ماهیتاً با عدالت

اجتماعی و حمایت از اقشار محروم جامعه و حرکت به سمت دور شدن از الگوی مصرفی به سمت تولید و برنامه ریزی طولانی مدت برای صنعتی کردن کشور در تضاد است و لذا ادامه آن نمی تواند به نتایجی جز آنچه که ما امروز شاهد آن هستیم بیانجامد.

از سوی دیگر، تحقق یک جامعه مدنی و حاکم شدن قانون بر جامعه و اجرای قانون اساسی تنها با تغییرات سطحی و جابجا شدن وزیر ارشاد و وزیر کشور امکان پذیر نخواهد بود. تحقق جامعه مدنی در شرایطی امکان پذیر است که حقوق و آزادی های فردی، سیاسی و صنفی در جامعه به رسمیت شناخته شود و تضمین های قانونی لازم برای اجرای آن فراهم آید. در کشوری که هنوز هزاران زندانی سیاسی وجود دارد، سازمان های سیاسی و صنفی حق حیات ندارند، حق آزادی بیان و اندیشه به رسمیت شناخته نمی شود، و زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه اسیر قوانین قرون وسطایی و غیر انسانی تحمیلی از سوی رژیم «ولایت فقیه» هستند حرکت به سمت جامعه مدنی نیازمند تحولات پایه ای و اساسی است که با چارچوب های غیر دموکراتیک حاکم از جمله ساختار «ولایت فقیه» به عنوان نهادی بالاتر از قانون و حتی قانون اساسی در تضاد آشکاری قرار دارد. تجربه قبلی از جمله دوران آغازین حکومت رفسنجانی که همراه با برخی رفرم های سطحی در زمینه کاهش اختناق و فشار بود، نشان می دهد که این تغییرات، تنها تغییرات ظاهری و غیر پایداری هستند که با رشد خواست های عمومی برای تحولات بیشتر، عمیق تر و پایه ای در تضاد قرار می گیرند و سرانجام به بازگشت به همان سیاست های سرکوب و ارباب منجر می گردد.

تفاوت اساسی که ما امروز در مقایسه با دوران آغاز حکومت رفسنجانی شاهد آن هستیم حضور وسیع اقشار مردم در صحنه مبارزه با خواست های مشخص برای تغییر و تحولات بنیادین است. بازتاب منفی انتخاب کابینه جدید در اقشار گوناگون، که برخی از آن در صفحات روزنامه های کشور، از جمله روزنامه سلام انعکاس یافت نشان می دهد که مردم ما در دوره مبارزه هجده سال گذشته آبدیده شده اند و دیگر نمی توان آنها را با شعار و قول راضی کرد. توده های عظیم مردم خواهان تغییرات بنیادین هستند و برای نخستین بار پس از انقلاب بهمین در ابعاد کم سابقه ای به عرصه مبارزه پای نهاده اند. این نیرو موتور محرکی است که توان آن را دارد تغییرات و تحولات بنیادین را زمینه سازی کند و حاکمیت جمهوری اسلامی را زیر فشار خرد کننده خود وادار به عقب نشینی و تن دادن به خواست های خود بکند. این نیروی عظیمی است که امروز می بایست به شعارهای مشخص مقطعی مجهز گردد تا بتواند مانع بهره گیری زورگویان و ثروت اندوزان ضد مردمی از خواست انقلابی خلق بشود.

خواست تأمین عدالت اجتماعی و پایان دادن به اختناق و ظلم و سرکوب مهمترین خواستی است که مردم ما در جریان انتخابات ریاست جمهوری آشکارا مطرح کردند. برای تحقق عدالت اجتماعی می بایست به سیاست و برنامه ریزی های اقتصادی کشور بازبینی کامل انجام گیرد و حرکت اقتصادی کشور در جهتی خلاف آنچه دولت رفسنجانی آن را پیش می برد به حرکت درآید. عمده ترین و کلی ترین خطوط چنین سیاستی محدود کردن دست بخش خصوصی و خصوصاً کلان سرمایه داری تجاری، تنظیم سیاست عادلانه توزیع در کشور و حرکت به سمت برنامه ریزی اقتصادی متمرکز برای بالا بردن سطح تولید و بازدهی کار، ایجاد فرصت های شغلی، حمایت قانونی از تولید کنندگان داخلی و بازبینی در سیستم اداری کشور برای از بین بردن فساد بی سابقه در آن است. عدالت اجتماعی تنها با تقسیم عادلانه ثروت در جامعه ممکن است و تقسیم عادلانه ثروت نیز در تضاد آشکار با شکاف فزاینده طبقاتی قرار دارد که در صورت ادامه سیاست کنونی همچنان افزایش خواهد یافت. در زمینه حاکمیت قانون و استقرار جامعه مدنی مبارزه در راه آزادی تمامی زندانیان سیاسی، به رسمیت شناختن آزادی بیان، اندیشه و حقوق قانونی احزاب، سازمان ها و انجمن های سیاسی صنفی، آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت های مذهبی و خلق های ساکن در ایران در کنار حرکت به سمت تغییر قوانینی که علیه زنان به تصویب رسیده است از جمله خواست هایی است که برای مبارزه در راه آن امروز در جامعه نیرو وجود دارد و می توان به آن اتکاء کرد. گروه های ارتجاعی و راست در حاکمیت بی شک تلاش خواهند کرد تا با سد کردن هرگونه تغییر و تحولی هرچند کوچک مردم را نا امید و توده های بی میدان آمده را از میدان خارج کنند. در این زمینه وظیفه نیروهای مترقی و پیشرو برای سازماندهی مبارزه حول شعارهای مشخص و بسیج گر در شرایط حساس کنونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

پیروزی بزرگ مردم در جریان انتخابات دوم خرداد نشان داد که توده ها چه توان عظیم و شکست ناپذیری را در اختیار دارند و در صورتی که این توان به شکل سازمان یافته و با برنامه به صحنه مبارزه بیاید تغییرات شگرف و بزرگ سهل و ممکن می گردد. پیروزی دوم خرداد برای مردم و میهن ما آغاز مرحله نوین نفی آشکار رژیم استبدادی «ولایت فقیه» و آغاز تغییر تدریجی و رو به رشد توازن قوا بین قدرت رژیم «ولایت فقیه» و اراده آزاد زیستن توده های وسیع مردم است. جنبش آزادی خواهانه و ضد استبدادی میهن ما تنها در صورتی پیروز خواهد شد که قادر باشد با اتکاء به نیروی خود زمینه ساز تحولات بنیادین و دموکراتیک در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی گردد.

## رویدادهای جهان



### کابل در معرض سقوط

در هفته های پایانی مرداد ماه جنگ در اطراف کابل شدت گرفته است. نیروهای وابسته به «اتحادیه شمال» ائتلاف متشکل از نیروهای ضد طالبان، در روز یکشنبه ۲۶ مرداد ماه با ۳ هواپیمای جنگنده میگ ۲۱ مواضع طالبان را در دهکده حسینی کوت و بلندی های شکر دره در ۲۰ کیلومتری شمال کابل بمباران کردند و نیروهای ضد طالبان آتش سنگینی را بر روی مواضع تانک ها و نیروهای پیاده طالبان گشوده اند و تدارکات آنها حاکی از آماده شدن نیروهای «اتحادیه شمالی» برای حمله قریب الوقوع به دروازه های کابل است.

نیروهای طالبان سعی دارند به هر صورتی شده نیروهای مرکب از سه جناح عمده مخالفین خود را، که عبارت از حامیان دولت برهان الدین ربانی به فرماندهی احمد شاه مسعود، نیروهای مستقر در شمال غرب به فرماندهی ژنرال عبدالملک و نیروهای حزب اسلامی و شیعه مذهب وحدت اسلامی، به عقب برانند. به گزارش خبرگزاری ها- ۷ کوشش طالبان در عرض ۱۰ روزه نیمه دوم مرداد ماه به شکست انجامیده است. بسم اله خان، فرمانده نیروهای ضد طالبان در دهکده قلعه خان در شمال کابل در مصاحبه ای گفت: «طالبان هر چه از دستش بر می آمد برای عقب راندن نیروهای «اتحادیه شمال» انجام داده ولی شکست خورده است».

پیش روی نیروهای ضد طالبان و تداوم فشار آنها به مواضع طالبان در کابل اوضاع متشنجی را در پایتخت ایجاد کرده است. ساکنان کابل منتظر ورود نیروهای مخالف به شهر می باشند. نیروهای انتظامی وابسته به طالبان کاملاً عصبی به نظر می رسند و به دستگیری جوانان و نیروهای قومی ساکن کابل که احتمال پیوستن آن به نیروهای مخالف می رود، پرداخته اند.

در مصاحبه ای در روزهای پایانی مرداد ماه احمد شاه مسعود گفت: «ما عمدا دشمن را در چندین جبهه درگیر کردیم که او را ضعیف کنیم. به نظر من طالبان اکنون در موضع دفاعی هستند». احمد شاه مسعود گفت که در ۱۰ ماه گذشته در چندین فرصت او می توانسته است به کابل حمله کند ولی او تمایل ندارد تا هنگامی که یک وفاق ملی در کل کشور در حمایتش شکل نگرفته است پایتخت را تسخیر کند. او گفت این روند تقریباً کامل شده است و اکنون زمان آن است که جنگ را به قلب مواضع تحت کنترل طالبان ببریم. احمد شاه مسعود مدعی شد که در مقایسه با ۱۱ ماه پیش هنگامی که طالبان نیروهای دولت ربانی را از کابل بیرون راند، نیروهای تحت فرماندهی او ۴ برابر قدرت آتش در کنترل دارند.

### نقطه پایان روند صلح!

دنیس راس، نماینده ویژه ایالات متحده در رابطه با روند صلح خاورمیانه در روز ۱۸ مرداد برای یافتن راه حل برای بحران فزاینده ای که کل روند کنونی

توافق از طریق مذاکره را در معرض تهدید قرار داده است. با یاسر عرفات و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل ملاقات کرد. مردم فلسطین که سیاست ها و پیشنهادات دنیس راس را در راستای تقویت مواضع نتانیاهو می دانند تظاهرات وسیعی را در اراضی تحت کنترل دولت خود مختار فلسطینی سازمان دادند. در ناپلس ۱۰۶۰۰۰ فلسطینی به خیابان ها ریختند و عروسک های راس و نتانیاهو را به آتش کشیدند. راس در سخنان خود عملاً نیازهای امنیتی اسرائیل را مورد تأکید قرار داده است و از پلیس فلسطین انتظار دارد که به مثابه نیروهای کمکی و پشتیبانان پلیس اسرائیل برای تأمین کنترل اراضی اشغالی اقدام کند. عرفات در سخنانی خطاب به مطبوعات آمریکایی و انگلیسی از جمله گفت که او «۱۰۰ درصد» تلاش های خود را برای دستگیری افراتیون اسلامی که در صدد نابود کردن روند صلح هستند بکار می برد لیکن این امر را غیر قابل قبول دانست که تمامی تلاش های دنیس راس متوجه نگرانی های امنیتی اسرائیل باشد. حسن صفور، یک مقام عالی رتبه فلسطینی نیز با تأکید بر اینکه مبارزه علیه اقدامات افراتیون اسلامی مخالف روند صلح ادامه خواهد یافت تأکید کرد که مقامات فلسطینی به خواسته اسرائیل مبنی بر دستگیری جمعی ۲۰۰ تن از فعالین جنبش اسلامی گردن نخواهد نهاد مگر این که شواهد مشخصی در اقدام آنها علیه روند صلح در دست باشد.

عرفات در روز ۲۶ مرداد ماه برای اولین بار امکان کنار گذاشتن روند صلح با اسرائیل را مطرح کرد. عرفات که در رابطه با شروع بایکوت کالاهای اسرائیلی در مناطق فلسطینی سخن می گفت اظهار داشت که او هنوز به صلح متعهد است ولی اگر ضروری باشد فلسطینی ها آماده هستند همه آن چیزهایی را که از زمان امضاء موافقتنامه بدست آورده اند کنار بگذارند و به مبارزات گذشته بازگردند. او اقدامات اسرائیل مبنی بر بستن مرزهای کرانه غربی و نوار غزه، اخراج همه کارگران فلسطینی که در اسرائیل کار می کنند و عدم تحویل مالیات های جمع آوری شده به مقامات فلسطینی را متوجه «خوار نمودن مردم فلسطین، گرسنگی دادن و مجبور کردن آنها به زانو زدن» دانست و اضافه کرد «مردم فلسطین در مقابل هیچ کسی به جز خدا زانو نخواهد زد». عرفات گفت: «ما در خواست های اسرائیل برای اقدام علیه برادران مان را رد می کنیم و قصد نداریم که فرامین هیچ کسی را در این مورد قبول کنیم... ما قانون فلسطین را جاری می سازیم، نه فرامین را. این پایه اصلی تمامی توافق های گذشته ما با اسرائیل و آمریکاییان بوده است».

هم زمان با این اظهارات، مطبوعات گزارش دادند که در روز ۲۶ مرداد ماه مقامات رسمی فلسطینی، اسرائیلی و نیز نمایندگان سازمان سیا در شهر رام الله در کرانه غربی به منظور پیدا کردن راه حل برای بحران روابط دو طرف ملاقات کرده اند.

### امپریالیسم نفتی و تاراج منابع نفتی دریای خزر

حیدر علی اوف، رئیس جمهور آذربایجان در روز ۱۰ مرداد ماه در واشنگتن با بیل کلینتون یک ملاقات سه ساعته داشت. در این اجلاس یک قرارداد سرمایه گذاری مشترک دوجانبه مورد توافق قرار گرفت و نیز یک بیانیه مشترک در حمایت از کوشش های سازمان امنیت و همکاری در اروپا برای حل درگیری های قره باغ صادر شد. حیدر علی اوف در روز ۱۱ مرداد ماه با کمپانی های نفتی در هوستون ملاقات کرد.

همزمان با اجلاس علی اوف و بیل کلینتون، کمپانی دولتی نفت آذربایجان SOCAR موافقتنامه هایی جداگانه با چهار کمپانی اکسون، موبیل، شورون و آموکو برای توسعه حوزه های نفتی در دریای خزر امضاء کرد. متعاقباً حیدر علی اوف به روزنامه نگاران

گفت که موافقتنامه های جدید روسیه را در منطقه دریای خزر به مخاطره نمی اندازد. کشورهای منطقه در رابطه با این قراردادها عکس العمل های متفاوتی نشان داده اند. محمد واعظی، معاون وزیر خارجه ایران در روز ۱۴ مرداد ماه امضاء ۴ قرارداد عمده نفتی بین آذربایجان و کمپانی های آمریکایی را مورد انتقاد قرارداد. واعظی گفت که این قراردادها «بر منافع و حقوق کشورهای دیگر چشم می پوشد و ریسک ایجاد یک بحران در منطقه خاورمیانه را تشدید می کند».

دولت ترکیه نیز برای خود سهمی قایل است. طبق خبر منتشره در روزنامه «اخبار روزانه ترکیه» در روز ۲۱ مرداد ماه یک بیانیه وزارت انرژی ترکیه پرده از فعالیت های کمپانی دولتی نفت ترکیه برای شرکت یافتن در حداقل یکی از ۴ توافق نامه جدید نفتی امضاء شده بین آذربایجان و کمپانی های آمریکایی برداشته است.

ترکیه در حال حاضر فقط در یک کنسرسیوم بین المللی به منظور استخراج و اکتشاف نفت در حوزه نفتی دریای خزر- بخش آذربایجان- شرکت دارد. شرکت نفت دولتی ترکیه در کنسرسیوم نفتی که در میدان های نفتی آذری، چیراگ و قیونشلی فعال است. ۶/۷۵٪ سهم دارد.

### رقابت برای کنترل منابع نفتی!

به دنبال امضاء موافقتنامه برای توسعه و اکتشاف منابع نفتی حوزه نفتی کیز بین شرکت نفت دولتی آذربایجان و کمپانی های نفت روسی، روس نفت و لوک اویل در روز ۱۳ تیرماه، ترکمنستان اعتراض کرده است. که این حوزه نفتی در بخش آب های ساحلی این جمهوری قرار دارد و آذربایجان هیچ گونه حقوقی بر آن ندارد. به دنبال بالا گرفتن اعتراضات ترکمنستان، دولت روسیه در روز ۱۴ مرداد ماه خروج روس نفت و لوک اویل را از این موافقتنامه اعلام کرد. یک مقام عالی رتبه کمپانی نفت دولتی آذربایجان به بنگاه خبری فرانسه گفت که مالکیت آذربایجان بر میدان نفتی کیز غیر قابل انکار است. نخست وزیر آذربایجان در مصاحبه ای در روز ۱۷ مرداد ماه گفت روسیه هنوز به طور رسمی تصمیم به خروج روس نفت و لوک اویل را به آذربایجان اطلاع نداده است.

او پیشنهاد کرد که آذربایجان و ترکمنستان مشترکاً کپیاز را توسعه دهند. علی اوف، رئیس جمهور آذربایجان در روز ۱۷ مرداد ماه اظهار داشته است که نگران بیرون کشیدن کمپانی های نفتی روسیه از موافقتنامه تیر ماه نمی باشد.

در همین رابطه در جریان ملاقات بوریس یلتسین و صفر مراد نیازوف، رئیس جمهور ترکمنستان در روز ۱۶ مرداد ماه در مسکو، رئیس جمهور روسیه مدعی شد که شرکت کمپانی های روسی در این موافقتنامه محصول بی اطلاعی رئیس جمهور و یا دولت روسیه از قصد آنها در این رابطه بوده است.

البته بوریس یلتسین توضیحی نداد در حالی که بوریس نمستوف، معاون اول نخست وزیر در مذاکرات مربوط به این موافقتنامه با حیدر علی اوف شرکت و در جلسه امضاء این قرارداد حضور داشته، چگونه دولت روسیه از آن بی خبر بوده است.

یلتسین پس از ملاقات خود با صفر مراد نیازوف مدعی شد که مواضع روسیه و ترکمنستان مبتنی بر قوانین بین المللی تصریح کننده وضعیت دریای خزر از سوی تمامی کشورهایی که در کناره های دریای خزر هستند، هم نظر می باشند.

# فرازی جدید در جنبش سندیکایی آمریکا

نشانگر مبارزه گری جدید و اصولی اتحادیه های کارگری ایالات متحده است.

## بیانیه حزب کمونیست آمریکا به احزاب کمونیست و کارگری جهان برای اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی یو، پی، اس

رفقای گرامی!

اعتصاب ۱۸۶٫۰۰۰ نفری کارگران شرکت یو، پی، اس که از چهارم اوت سال ۱۹۹۷ میلادی آغاز شده است از نقاط عطف اخیر رشد و اعتلای طبقه کارگر آمریکا است. علت اعتصاب بسیار ساده و روشن است: این شرکت خواستار کسب بالاترین سود می باشد و از اینرو مهم ترین مسایل این اعتصاب حول این نکته محوری است. اولین مساله حضور کارگران نیمه وقت است. شصت درصد کارگران این کمپانی را کارگران نیمه وقت تشکیل می دهد. حقوق این کارگران تقریباً نصف کارگران تمام وقت است، که این شرایط نازل خود تهدیدی برای کارگران تمام وقت به شمار می رود.

دومین مساله، خواست شرکت یو، پی، اس برای کنترل صندوق بازنشستگی کارگران است. کمپانی در صدد پایان بخشیدن کنترل اتحادیه کارگران بر این صندوق یک میلیارد دلاری و جایگزین کردن کنترل خویش بر این ثروت کارگران است. شرکت یو، پی، اس قصد دست اندازی بر این سرمایه کارگران برای سرمایه گذارهای خود دارد.

سومین مساله، ایمنی کارگران در محیط کار می باشد. برای درک این مساله، کافی است که یادآور شویم که هر کارگر موظف است ساعتی هزار جعبه که بعضی تا ۷۵ کیلوگرم وزنشان است جابجا سازد. بخش قابل ملاحظه ای از درآمد یو، پی، اس متعلق به فعالیت های سودآور بین المللی این شرکت است که در سراسر جهان شعبه دارد. و لذا کارگران بسیاری از کشورها در این اعتصاب ذی نفع اند و می توانند درگیر باشند. حمایت ها از جمله انواع مختلف اعلام همبستگی و اعتصابات همبستگی با کارگران اعتصابی یو، پی، اس می تواند این اعتصاب را زودتر با موفقیت به پیروزی برساند. اعلامیه، بیانیه مطبوعاتی، پیام های همبستگی به اتحادیه کارگران ترابری و حمل و نقل، تظاهرات در مقابل دفاتر یو، پی، اس در کشورهای محل اقامتان، کمک های شایانی به کارگران اعتصابی می رساند. با ارسال گزارش فعالیت های خود به هفته نامه «جهان هفتگی مردم» این نشریه به انتشار آن اقدام خواهد کرد. با وجود آنکه کمپانی یو، پی، اس کارزار وسیعی برای استفاده از قوانین کشوری از طریق دخالت دادن ریاست جمهور، کلیتون، می کند، کارگران این شرکت از پشتیبانی قریب به اتفاق مردم برخوردار هستند.

این حمایت توده ای بیانگر خشم زحمتکشان آمریکا از سیاست های کاهش موارد اشتغال و سقوط سطح زندگی سه چهارم از طبقه کارگر در سال های اخیر است. پی آمد تقلیل نیروی کار، تسریع آهنگ کار، کار موقت و نیمه وقت باعث بیداری و رشد آگاهی طبقاتی میلیون ها نفر گردیده که اعتصاب کنونی را نظاوری از خشم مشترک خویش علیه سودجویی شرکت یو، پی، اس و آمریکای سرمایه داری می بینند.

با درودهای رفیقانه  
کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا - ۱۴ اوت ۱۹۹۷

پیروزی بزرگ کارگران اعتصابی شرکت «خدمات بسته های پستی یونایتد» و فیلانندن خواسته های اصولی و برحق خود به کارفرمایان این کمپانی چند ملیتی اهمیتی فراتر از محدوده مرزهای ایالات متحده آمریکا دارد. مسایلی که کارگران شرکت «خدمات بسته های پستی یونایتد» بر سر آن دست به این اقدام اعتراضی متحد و موثر زده بودند، از زمره مسایلی هستند که کارگران در سراسر جهان با آن دست به گریبان می باشند. کارگران اعتصابی که به اتحادیه رانندگان کامیون تعلق دارند علیه استفاده مذبذبانه کمپانی UPS از کنترلاتی های جزء، جایگزینی اشتغال تمام وقت و با حقوق و مزایای مکفی با کارهای نیمه وقت و موقت به موقعیت و قدرت اتحادیه های کارگری و لذا به شرایط کاری و زندگی کارگران به اعتراض برخاسته بودند. اعتصابیون توانستند با ایستادگی خود در مقابل تهدیدات کارفرمایان و بسیج حمایت زحمتکشان آمریکا و همبستگی بین المللی این پروسه را معکوس کرده و همچنین افزایش حقوق قابل ملاحظه و نیز کنترل صندوق بازنشستگی خود را کسب کنند.

تاثیر اعتصاب یکپارچه کارگران «یو، پی، اس» چنان بود که پرزیدنت کلیتون و آلکسیس هرمن، وزیر کار ایالات متحده مجبور شدند حل سریع این اعتصاب را خواستار شوند. سخنگوی اتحادیه رانندگان کامیون گای ویلیامز گفت: «من فکر می کنم که پرزیدنت و خانم هرمن با تاکید روی ادامه مذاکرات و نیز نگهداشتن UPS بر سر میز مذاکره خوب عمل کرده اند». در یک اظهار نظر رسمی در ۲۷ مرداد ماه خانم هرمن و پروس لیندسی، مشاور کاخ سفید گفته شده بود که: «این اعتصاب نه فقط به کمپانی بلکه به کارمندان و نیز مردمی که به آن متکی هستند لطمه می زند. من فکر می کنم که آنها باید کوشش های خود را دو برابر کنند که راه حلی برای این اعتصاب پیدا کنند». این اظهارات انعکاس نگرانی های هیأت حاکمه سرمایه داری از ادامه اعتصاب و پایمردی کارگران و تبعات چنین مساله ای برای کمپانی های عمده ایالات متحده بود و خود به عامل فشاری به کارفرمایان برای قبول خواسته های اعتصابیون بدل گردید. ران کاری، پرزیدنت اتحادیه رانندگان کامیون در روز ۲۷ مرداد ماه اعلام کرد که موافقت حاصله تمامی اهداف اصلی کارگران را برآورده می کند. او گفت: «کارگران آمریکایی نشان داده اند که ما می توانیم در مقابل حرص کمپانی ها ایستادگی کنیم... این فقط یک پیروزی برای رانندگان کامیون نیست. این پیروزی ای برای همه زحمتکشان است».

بر اساس موافقتنامه حاصله ۱۰۶٫۰۰۰ اشتغال تمام وقت جدید از ترکیب کارهای نیمه وقت و با دستمزد کم ایجاد می شود و همچنین ۱۵ درصد به حقوق کارگران تمام وقت اضافه می گردد، بهبود شرایط بازنشستگی و نیز محدود کردن کنترلاتی های جزء به جای استفاده از کارگران شاغل در UPS نیز از جمله این موافقت ها می باشد. اعتصاب دو هفته ای کارگران یو، پی، اس نشان داد که بر خلاف اظهار نظر برخی ناظران که حربه اعتصاب دیگر قدیمی شده و کاربردی ندارد، این شیوه سنتی اعتراض زحمتکشان علیه حرص و آز سرمایه داران هنوز هم اصلی ترین شیوه مبارزاتی کارگران متحد و متشکل می باشد. اعتصاب کارگری حربه اساسی زحمتکشان برای دفاع از خود و مبارزه علیه گرایش کمپانی های چند ملیتی به تشدید استثمار از راه های گوناگون می باشد.

کارگران یو، پی، اس با پایمردی خود توانستند اقدام کارفرمایان را به تحمیل شرایط بدتر، کاهش اشتغال، کارایی بیشتر، استانداردهای پایین در محل کار به شکست بکشانند. کارفرمایان با استفاده از لشکر بیکاران و تهدید به اخراج کارگران و تعطیل کارخانه ها، کارگران را در مقابل این خطر قرار می دادند که ریسک از دست دادن کارشان را به آنانی که حاضرند با حقوق کمتر و در شرایط کاری بدتر کار کنند، بپذیرند. کارگران یو، پی، اس نشان دادند که تنها پاسخ ممکن طبقه کارگر مقاومت در مقابل تهدیدات کارفرمایان وحدت عمل و همبستگی آنها است. پیروزی آنان، پیروزی قابل توجهی برای جنبش سندیکایی جهانی و همچنین

و- کانادا به یاد رفیق احسان طبری  
۵۰ مارک  
و- کانادا کمک به برگزاری کنگره  
۱۵۰ مارک

**کمک های مالی  
رسیده**

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
**NAMEH MARDOM-NO:513**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran  
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

26 August 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴ ۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

IRAN e. V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک